

متن پرسش

سلام. من در رشته ی پزشکی درس میخونم در مورد موضوع پایان نامه مزاحمتون میشم. یکبار هم باهاتون صحبت کردم و در مورد تأثیری که سلامت روح میتونه روی سلامتی جسم اثر بگذاره صحبت شد و شما هم از رفلکس ها صحبت کردید، در کتاب انقلابتون هم خواندم که ما متاسفانه در سلامت جسممون فقط از مادیات استفاده می کنیم در حالی که روح مجرد ما می تواند در سلامت جسم خیلی مؤثر باشد (دستگاه دیالیز)، یا در کتاب پیروزی بر سرطان خواندم که عده ای با تصحیح تفکر مرگ و زندگی توانستند از سرطان های مرگ بار جان سالم به در ببرند، و این را هم میدانم که سرطان در واقع از دست رفتن چرخه ی منظم تکثیر سلولهاست و از طرفی من یک مستند به نام ماتریکس در تلویزیون دیدم که آن ها در علم پزشکی به این عقیده داشتند که بدن انسان توسط یک میدان مغناطیسی تحت کنترل است و هر گونه اختلال در این میدان باعث بیماری می شود (شاید همان روح مجردی باشد که ما قبول داریم ولی آن ها زیر بارش نمی روند)، من جلدا کتاب معرفت النفس علامه حسن زاده را هم خوانده ام و کم و بیش یک چیزهایی درک کردم، حال با توجه به همه ی این ها یک طرحی به نظرم رسیده و آن اینکه ما با تدریس علم معرف النفس به بیماران سرطانی شاید بتوانیم با متعادل کردن روح در مسیر صحیح خودش این خود سرانه کار کردن تکثیر سلول ها را جلوی پیش را بگیریم. آیا فکر درستیه؟؟؟ ولی وقتی به این موضوع فکر میکنم همیشه این سؤال برام مطرح میشه که چرا پس امام خمینی با آن روح متعادلشون سرطان معده داشتند؟ ببخشید سرتونو درد آوردم ولی خودتو میدونید شاید کس دیگری نمی تونه این طرز فکر منو درست کنه و ایرادشو بگیره لطفا کمک کنید، و اگر کتابی هست که میتونه کمک کنه معرفی کنید، انشالله عرفه روز ملاقات باشه براتون سلام ما را هم برسونید

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: تعلیم معرفت نفس می تواند مقدمه باشد که اگر طرف آماده شد به صورت حضوری با خود برخورد کند و با دفع خیالات منفی، اجازه می دهد روح او تمرکز لازم را بر روی جسمش داشته باشد □ اگر روح او بنای انصراف از بدن را نداشته باشد □ می تواند در حال بیماری اش مؤثر باشد. ولی اگر روح انسان مثل روح امام خمینی «رضوان الله علیه» بنای رفتن دارد دیگر درمان ها تأثیری ندارد، زیرا در این صورت بیماری ها مربوط به جسم نیست بلکه ظهور انصراف روح است. موفق باشید